هو الأبهی - ای احبّای حضرت سلطان عرصه توحيد، ايّام…

عبدالبهآء

اصلی فارسی



# هو الأبهی

ای احبّای حضرت سلطان عرصه توحيد، ايّام ظهور مجلّی طور اشراق نور بود و يوم سرور و حبور و زمان طرب و شادمانی و فرح و کامرانی و چون آن مهر منير در فلک اثير افول فرمود شام ظلمانيست و وقت حزن و حسرت و سوگواری و اوان فرقت و حرقت و شدّت و ناتوانی. احزانست که مونس جانست چشم گريانست که نديم قلب سوزانست و فرياد و فغانست که متصاعد بآسمانست اين يک مقامست در مقام ديگر اين قرن عظيم و عصر جديد خداوند مجيد است و در هر ساعتی آنچه دهقان در مرزعه کون کشته و از معين رحمانيّت آب داده سبز و روينده گردد و لطافت گلستان شود و طراوت بوستان گردد و در هر دمی شبنمی رسد.

و در هر نفسی صبح تأييدی دمد و آثار باهره اين کور اعظم ظاهر و باهر شود و قدرت و عظمت سلطان احديّت واضح و لائح گردد چه که قرن مدّتش صد سالست پس در اين عصر مجيد خداوند جليل يوماً فيوماً امر الهی در علوّ و ارتفاع است و سموّ و امتناع و ظهور آثار جمال و جلال و بروز آيات قدرت و عظمت ربّ بيمثال هر چند از فوز لقا محروميم امّا از نفحات قدس حديقه وفا مهتزّيم و در بحبوحه اين قرن و وسط اين عصر کريميم و البهاء عليکم ع ع

